Original Article **Open Access**

Health Law Journal

2024; 2: e14

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

The Relationship between Fear of Crime and Prevention of Secondary Victimization of Children from the Perspective of Health Rights

Ebrahim Yaghuoti[1]

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Fear of crime and secondary victimization are significant concepts in criminal law and social psychology that have profound impacts on the psychological and social well-being of children. This article aims to explore the connection between fear of crime and the prevention of secondary victimization in children, especially in cases where the child has previously been a victim of crime. Psychological and legal analyses can contribute to a better understanding of these phenomena and enhance preventive measures.

Methods: This study is conducted using a descriptive-analytical approach based on library research sources.

Ethical Considerations: Ethical aspects of the library research study, including authenticity of the texts, honesty and integrity, have been adhered to.

Results: Fear of crime directly and indirectly affects children who have been victims of crime. The fear of further criminal acts can create a sense of insecurity, anxiety and mistrust in children, leading to further psychological and social harm. In this regard, preventing secondary victimization by creating safe environments, providing psychological support and implementing effective legal measures can help reduce these negative effects.

Conclusion: Finally, the study shows that a comprehensive approach that simultaneously considers fear of crime and secondary victimization from a health rights perspective can help prevent further victimization and psychological trauma in children. Developing preventive strategies and providing necessary support for affected children is of particular importance and should be considered in countries' criminal and social policies.

Keywords: Fear of Crime; Secondary Victimization; Children; Prevention; Health Rights

Corresponding Author: Ebrahim Yaghuoti; **Email:** yaghouti2010@yahoo.com

Received: October 19, 2024; **Accepted:** December 05, 2024; **Published Online:** January 09, 2025

Please cite this article as:

Yaghuoti E. The Relationship between Fear of Crime and Prevention of Secondary Victimization of Children from the Perspective of Health Rights. Health Law Journal. 2024; 2: e14.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

Copyright©2024, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره دوم، ۱۴۰۳

ارتباط ترس از جرم و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی کودکان از منظر حقوق سلامت

ابراهیم یاقوتی[۱]

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: ترس از جرم و بزه‌دیدگی ثانوی، از جمله مفاهیم مهم در زمینه حقوق کیفری و روان‌شناسی اجتماعی هستند که بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان تأثیرات عمیقی دارند. این مقاله با هدف بررسی ارتباط میان ترس از جرم و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی در کودکان به ویژه در شرایطی که کودک قبلاً قربانی جرم بوده است، صورت می‌گیرد. تحلیل‌های روان‌شناختی و حقوقی می‌تواند به درک بهتر این پدیده‌ها و ارتقای تدابیر پیشگیرانه کمک کند.

روش: این تحقیق به روش توصیفی ـ تحلیلی و از منابع کتابخانه‌ای نگارش یافته است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: ترس از جرم به طور مستقیم و غیر مستقیم بر کودکان آسیب‌دیده از جرم تأثیر می‌گذارد. ترس از بازرخداد جرم ممکن است باعث ایجاد احساس ناامنی، اضطراب و بی‌اعتمادی در کودکان شود و در نتیجه منجر به بروز آسیب‌های روانی و اجتماعی بیشتر گردد. در این راستا، پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی از طریق ایجاد محیط‌های امن، حمایت روانی و تدابیر حقوقی مؤثر، می‌تواند به کاهش این تأثیرات منفی کمک کند.

نتیجه‌گیری: در نهایت، مطالعه نشان می‌دهد که یک رویکرد جامع که همزمان ترس از جرم و بزه‌دیدگی ثانوی را از بُعد حقوق سلامت در نظر بگیرد، می‌تواند به پیشگیری از بزه‌دیدگی و آسیب‌های روانی بیشتر در کودکان کمک کند. ایجاد استراتژی‌های پیشگیرانه و فراهم‌کردن حمایت‌های لازم برای کودکان آسیب‌دیده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید در سیاست‌های جنایی و اجتماعی کشورها مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ترس از جرم؛ بزه‌دیدگی ثانوی؛ کودکان؛ پیشگیری؛ حقوق سلامت

نویسنده مسئول: ابراهیم یاقوتی؛ **پست الکترونیک:** yaghouti2010@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۹/۱۵؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Yaghuoti E. The Relationship between Fear of Crime and Prevention of Secondary Victimization of Children from the Perspective of Health Rights. Health Law Journal. 2024; 2: e14.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

مقدمه

بزه‌دیدگی ثانوی کودکان، به معنای تجربه مجدد آسیب‌ها و تبعات منفی ناشی از وقوع جرم یا قربانی‌شدن در فرآیندهای قانونی یا اجتماعی، یک پدیده پیچیده و نگران‌کننده است که به ویژه در جوامع آسیب‌دیده از جرائم خشونت‌آمیز و اجتماعی، شدت می‌یابد. یکی از عواملی که می‌تواند به شدت این وضعیت را تشدید کند، ترس از جرم است که در میان کودکان آسیب‌دیده از جرم به ویژه در مراحل مختلف دادرسی و تعامل با نهادهای اجرایی، ممکن است موجب بروز اختلالات روانی و اجتماعی اضافی شود. ترس از وقوع مجدد جرم نه‌تنها احساس امنیت را در کودکان مخدوش می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد مشکلات روانی مانند اضطراب، افسردگی و بی‌اعتمادی به نظام حقوقی منجر شود که در نهایت بر کیفیت زندگی و رشد اجتماعی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

مسأله اصلی این پژوهش بررسی ارتباط میان ترس از جرم و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی در کودکان است. این تحقیق در پی آن است که نشان دهد چگونه ترس از جرم در کودکان آسیب‌دیده می‌تواند بر شدت آسیب‌های روانی و اجتماعی آن‌ها تأثیر بگذارد و در ادامه چه تدابیر حقوقی و روان‌شناختی می‌توانند این آسیب‌ها را کاهش دهند. به عبارت دیگر، در این پژوهش بررسی می‌شود که چگونه با نگاهی جامع به مسأله ترس از جرم و شرایط خاص کودکان، می‌توان پیشگیری مؤثری از بزه‌دیدگی ثانوی آن‌ها ارائه داد. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از چگونه تعامل بین ترس از جرم و بزه‌دیدگی ثانوی در کودکان می‌تواند بر روند بهبودی و سلامت روانی آن‌ها تأثیر بگذارد؟

این تحقیق در چهار بخش اصلی تدوین شده است: ابتدا به بررسی مفاهیم مرتبط با ترس از جرم و بزه‌دیدگی ثانوی در کودکان پرداخته می‌شود، سپس به تحلیل روان‌شناختی تأثیرات ترس از جرم بر کودکان و چگونگی تشدید آسیب‌های ناشی از آن پرداخته خواهد شد. در ادامه، رویکرد حقوق کیفری ایران برای حمایت از کودکان آسیب‌دیده و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، نتایج این تحقیق به طور جامع تحلیل و پیشنهادهای عملی برای پیشگیری از تکرار آسیب‌ها ارائه خواهد شد.

۱. مفاهیم: در این بخش، به تبیین و توضیح مفاهیم کلیدی تحقیق، یعنی «ترس از جرم» و «بزه‌دیدگی ثانوی» و عوامل مؤثر بر هر یک از آن‌ها پرداخته خواهد شد تا چهارچوب مفهومی تحقیق روشن شود و ارتباط این دو مفهوم در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی کودکان مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. مفهوم ترس از جرم و عوامل مؤثر بر آن: ترس از جرم به عنوان یک واکنش روان‌شناختی نسبت به تهدیدات بالقوه در محیط اجتماعی شناخته می‌شود. این ترس اغلب به عنوان پاسخی به احتمال بزه‌دیدگی یا قرارگرفتن در معرض جرم تعریف می‌شود، هرچند که ممکن است فرد حتی بدون تجربه مستقیم جرم، این ترس را احساس کند.

در یک تعریف علمی جدید، پدیده ترس از جرم به تبیین شرایطی می‌پردازد که پس از وقوع یک پدیده جنایی، موجب واکنش احساسی شهروندان نسبت به احتمال بزه‌دیدگی خود می‌شود. این مفهوم به طور خاص با پدیده نگرانی درباره جرم که مبتنی بر واکنش احساسی افراد نسبت به وجود خود جرم است، بدون توجه به احتمال بزه‌دیدگی آنان، تفاوت دارد. ترس از جرم در واقع به احساس خطر و نگرانی از احتمال قربانی‌شدن در آینده اشاره دارد که می‌تواند بر رفتار و تصمیمات افراد تأثیر بگذارد (۱). این تعریف به ماهیت ذهنی و روانی ترس از جرم اشاره دارد، به طوری که ادراک خطر اغلب از واقعیت آماری وقوع جرم فراتر می‌رود. ترس از جرم یکی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که برای تحلیل و کاهش این احساس در جامعه اهمیت زیادی دارد، زیرا ترس از جرم می‌تواند به تضعیف احساس امنیت عمومی و تغییر در رفتارهای اجتماعی منجر شود. لذا در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱-۱. تجربیات مستقیم و غیر مستقیم: تجربه مستقیم بزه‌دیدگی یکی از اصلی‌ترین عوامل ترس از جرم است. در حالی که افرادی که شخصاً قربانی جرمی بوده‌اند، معمولاً ترس

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

بیشتری از وقوع جرم در آینده دارند، تجربه غیر مستقیم از طریق داستان‌ها یا گزارش‌های دیگران نیز می‌تواند ترس را افزایش دهد. این مسأله به ویژه زمانی اهمیت دارد که رسانه‌ها جرم را به صورت گسترده‌ای پوشش می‌دهند (۲).

۱-۱-۲. عوامل جمعیت‌شناختی: پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سن، جنسیت و وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی افراد تأثیر زیادی بر میزان ترس از جرم دارند. معمولاً زنان و افراد مسن‌تر ترس بیشتری از جرم گزارش می‌دهند، در حالی که مردان جوان به طور کلی نگرانی کمتری دارند. همچنین افرادی که در شرایط اقتصادی پایین‌تری قرار دارند، اغلب به دلیل احساس عدم توانایی در محافظت از خود، ترس بیشتری تجربه می‌کنند (۳).

۱-۱-۳. محیط فیزیکی و اجتماعی: ویژگی‌های محیط اجتماعی و فیزیکی، از جمله میزان جنایت در یک منطقه، کیفیت زیرساخت‌ها و وضعیت نگهداری محله، می‌تواند بر احساس امنیت و ترس از جرم تأثیر بگذارد. محله‌هایی با نرخ بالای جرم، نورپردازی ضعیف و خیابان‌های مخروبه به طور معمول احساس ناامنی را در ساکنین تشدید می‌کنند (۴).

۱-۱-۴. نقش رسانه‌ها: نحوه پوشش رسانه‌ها از جرائم نقش مهمی در افزایش ترس از جرم دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که افرادی که بیشتر در معرض گزارش‌های جنایی از طریق تلویزیون یا رسانه‌های اجتماعی هستند، احتمالاً ترس بیشتری از جرم دارند، حتی اگر در منطقه‌ای با نرخ پایین جرم زندگی کنند (۱). همانطور که گفته شد، چنین به نظر می‌رسد که ترس از جرم تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که هر یک می‌تواند به طور مستقل یا ترکیبی بر احساس امنیت یا ناامنی افراد و جوامع تأثیر بگذارد. این عوامل شامل تجربیات مستقیم و غیر مستقیم از بزه‌دیدگی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد، وضعیت محیطی و اجتماعی و تأثیر رسانه‌ها هستند که نقش مهمی در شکل‌گیری و گسترش ترس از جرم ایفا می‌کنند. در ادامه به تحلیل یکی دیگر از مفاهیم کلیدی تحقیق و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازیم.

۱-۲. مفهوم بزه‌دیدگی ثانوی و عوامل مؤثر بر آن: برای تعمیق در مفهوم بزه‌دیدگی ثانوی لازم است تا ابتدا مفهوم بزه‌دیده بیان شود، لذا در اینجا به یکی از تعاریف ارائه‌شده در این‌باره پرداخته و آن را تحلیل می‌نماییم. بر پایه ملاک‌های جهانی بزه‌دیده‌شناسی حمایتی که هدف این نوشتار می‌باشد، بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رخداد جرم، به آسیب بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی ـ حیثیتی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حق‌های بنیادی خود دچار شده است (۵)، البته نزدیک به همین تعریف نیز در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مورد اشاره قانونگذار ایرانی قرار گرفته است. ماده ۱۰ مذکور عنوان می‌دارد که بزه‌دیده شخصی است که از از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و متعاقباً در ماده ۱۴ همین قانون انواع ضرر و زیان را اعم از مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول می‌داند که بزه‌دیده می‌توان جبران آن‌ها را مطالبه کند. حال با این اوصاف باید دید که بزه‌دیدگی ثانوی چیست و آیا قانونگذار کیفری بدین مقوله نیز توجه داشته است یا خیر.

بزه‌دیدگی ثانوی به تجربه مجدد آسیب‌های روانی و اجتماعی توسط قربانی پس از مواجهه اولیه با جرم اطلاق می‌شود. این نوع بزه‌دیدگی زمانی رخ می‌دهد که قربانی پس از بزه‌دیدگی اولیه، به دلیل نحوه برخورد نادرست نهادها، جامعه یا حتی افراد نزدیک، مجدداً دچار آسیب‌های روانی و اجتماعی می‌شود. این بزه‌دیدگی می‌تواند شامل برخوردهای نامناسب در فرآیندهای قضایی، عدم دریافت حمایت کافی از سوی سیستم عدالت کیفری یا جامعه، یا حتی سرزنش قربانی توسط دیگران باشد (۶)، بدین‌ترتیب می‌توان به وجود تفاوت‌هایی بین بزه‌دیدگی اولیه و ثانوی ذیلاً اشاره داشت:

۱-۲-۱. منبع آسیب: در بزه‌دیدگی اولیه، منبع آسیب مستقیماً از عمل مجرمانه ناشی می‌شود، در حالی که در بزه‌دیدگی ثانوی، منبع آسیب رفتارهای نهادهای رسمی (پلیس، دادگاه‌ها) یا حتی افراد جامعه است که به دلیل عدم حمایت یا برخورد نادرست به تشدید وضعیت روانی قربانی منجر می‌شوند.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

۱-۲-۲. زمان وقوع: بزه‌دیدگی اولیه بلافاصله پس از وقوع جرم یا حادثه رخ می‌دهد و به صورت مستقیم ناشی از عمل مجرمانه است. بزه‌دیدگی ثانوی پس از آن و به دلیل برخوردهای منفی یا نادرست در فرآیندهای پیگیری و حمایت از قربانی رخ می‌دهد.

۱-۲-۳. نوع آسیب: در بزه‌دیدگی اولیه، آسیب‌ها می‌تواند شامل آسیب‌های جسمی، روانی و مالی باشد، در حالی که بزه‌دیدگی ثانوی بیشتر به آسیب‌های روانی، اجتماعی و عاطفی مربوط می‌شود که از طریق واکنش‌های نهادهای اجتماعی و قضایی به وجود می‌آید (۷).

در این مبحث دو مفهوم اصلی تحقیق، یعنی «ترس از جرم» و «بزه‌دیدگی ثانوی»، از جنبه‌های مختلف بررسی شد. ترس از جرم به عنوان یک واکنش روان‌شناختی نسبت به تهدیدات بالقوه اجتماعی در نظر گرفته شده و تحت تأثیر عوامل متعددی مانند تجربیات مستقیم و غیر مستقیم از بزه‌دیدگی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، وضعیت محیطی و اجتماعی و تأثیر رسانه‌ها قرار دارد. این مفهوم بر احساس خطر و نگرانی از وقوع جرم در آینده تأکید دارد که ممکن است بر رفتار و تصمیمات افراد تأثیر بگذارد، حتی در صورتی که فرد تجربه مستقیم از بزه‌دیدگی نداشته باشد. از سوی دیگر، بزه‌دیدگی ثانوی به آسیب‌های روانی و اجتماعی می‌پردازد که پس از بزه‌دیدگی اولیه، قربانی به دلیل برخوردهای نادرست یا عدم حمایت مناسب از نهادها و جامعه تجربه می‌کند. این آسیب‌ها بیشتر جنبه روانی و اجتماعی دارند و می‌توانند تأثیرات منفی بر وضعیت فردی و اجتماعی قربانیان داشته باشند. بنابراین در بزه‌دیدگی ثانوی، مهم‌ترین آسیب نه‌تنها از عمل مجرمانه اولیه، بلکه از واکنش‌های منفی و غیر مؤثر نهادها و جامعه ناشی می‌شود. توجه به رویکرد روان‌شناسی در بررسی «ترس از جرم» و «بزه‌دیدگی ثانوی» از چند منظر ضروری است که هر یک تأثیرات مستقیمی بر سیاستگذاری اجتماعی، عدالت کیفری و سلامت روان جامعه دارند. در ادامه، این رویکرد تبیین می‌شود.

۲. رویکرد روان‌شناسی به ترس از جرم و بزه‌دیدگی ثانوی:

جرم به احساس ناامنی و اضطرابی اشاره دارد که افراد به واسطه وقوع جرم در جامعه تجربه می‌کنند. این ترس می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رفتارها و تصمیمات روزمره افراد بگذارد.

تحقیقات نشان می‌دهد که ترس از جرم می‌تواند به شکل‌گیری تصورات نادرست درباره امنیت جامعه منجر شود. به عنوان مثال، ساکنان یک منطقه ممکن است به دلیل وقوع چند جرم، احساس ناامنی شدیدی پیدا کنند، حتی اگر آمار جرائم در آن منطقه کاهش یافته باشد (۸). این پدیده به «بزه‌دیدگی ثانوی» نیز معروف است که به تجربه آسیب روانی ناشی از جرم در جامعه یا گروهی از افراد اشاره دارد که خود قربانی جرم نشده‌اند، اما تحت تأثیر اخبار و اطلاعات درباره جرم‌ها قرار می‌گیرند (۹).

در این راستا، روان‌شناسی جنایی با استفاده از نظریه‌ها و مدل‌های مختلف، به تحلیل این احساسات و تأثیرات آن‌ها بر رفتار اجتماعی و روان‌شناختی افراد می‌پردازد. برای مثال، نظریه پردازانی مانند زیمباردو نشان دادند که احساس ترس می‌تواند منجر به تغییرات قابل توجهی در رفتار اجتماعی و اعتماد به نفس افراد شود (۱۰).

به طور کلی، روان‌شناسی جنایی به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از عواملی که موجب ترس از جرم و بزه‌دیدگی ثانوی می‌شوند، پیدا کنیم و راهکارهای بهتری برای کاهش این ترس‌ها و تأثیرات آن‌ها بر جامعه ارائه دهیم. بزه‌دیدگی ثانوی ناشی از برخوردهای نامناسب نهادهای رسمی و جامعه، پیامدهای گسترده‌ای بر روان، روابط اجتماعی و اعتماد عمومی قربانیان دارد. شناخت عوامل ایجاد، پیامدها و مکانیزم‌های تأثیرگذاری این پدیده، برای طراحی سیاست‌ها و اقدامات پیشگیرانه و حمایتی ضروری است. این امر می‌تواند به کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی قربانیان و افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری کمک کند. در همین راستا در ادامه به مطالعه عوامل زمینه‌ساز بزه‌دیدگی ثانوی و پیامدهای آن را مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

۲-۱. عوامل زمینه‌ساز بزه‌دیدگی ثانوی: بزه‌دیدگی ثانوی زمانی رخ می‌دهد که فرد، به ویژه کودکان، به طور غیر مستقیم تحت تأثیر جرم یا خشونت قرار می‌گیرد، به ویژه زمانی که یکی از والدین قربانی می‌شود. این نوع بزه‌دیدگی اغلب به دلیل مواجهه مکرر با خشونت خانگی یا مشاهده تأثیرات بزه‌دیدگی والدین رخ می‌دهد و تأثیرات عمیقی بر کودکان دارد.

۲-۱-۱. خشونت خانگی: خشونت خانگی یکی از مهم‌ترین عواملی است که به بزه‌دیدگی ثانوی در کودکان منجر می‌شود. کودکانی که شاهد خشونت بین والدین خود هستند، حتی اگر مستقیماً هدف خشونت نباشند، به دلیل اثرات روانی و استرس ناشی از این محیط، بزه‌دیده تلقی می‌شوند. طبق پژوهش‌ها، کودکانی که در محیط‌های خشونت‌زا زندگی می‌کنند، بیشتر در معرض اختلالات اضطرابی، افسردگی و مشکلات رفتاری قرار می‌گیرند (۱۱).

۲-۱-۲. بزه‌دیدگی والدین: بزه‌دیدگی والدین، به ویژه در مواردی که والدین قربانی خشونت یا جرائم دیگر شده‌اند، نیز می‌تواند به بزه‌دیدگی ثانوی کودکان منجر شود. والدینی که خود با عوارض روانی، جسمی یا اقتصادی ناشی از بزه‌دیدگی دست و پنجه نرم می‌کنند، ممکن است نتوانند حمایت و مراقبت کافی از کودکان خود به عمل آورند. این وضعیت می‌تواند به ناپایداری عاطفی و رفتاری در کودکان منجر شود.

۲-۱-۳. پیامدهای روانی و اجتماعی: مواجهه کودکان با والدین بزه‌دیده، به ویژه در شرایطی که این بزه‌دیدگی در زمینه خشونت خانگی رخ داده باشد، می‌تواند به اختلالات روانی در کودکان منجر شود. این کودکان ممکن است دچار اختلال استرس پس از سانحه شوند و توانایی آن‌ها در ایجاد روابط سالم با دیگران مختل شود. این شرایط می‌تواند در آینده آن‌ها تأثیرات منفی جدی داشته باشد.

کودکان در این موقعیت‌ها ممکن است رفتارهایی مانند پرخاشگری، انزواطلبی و کاهش عملکرد تحصیلی از خود نشان دهند. آن‌ها همچنین ممکن است در تنظیم هیجانات و مدیریت استرس خود دچار مشکل شوند که این امر می‌تواند به مشکلات روانی بلندمدت منجر شود (۱۲).

۲-۲. پیامدهای بزه‌دیدگی ثانوی: بزه‌دیدگی ثانوی برای کودکان می‌تواند پیامدهای عمیقی بر ابعاد مختلف زندگی آنان داشته باشد، از جمله حوزه‌های روانی، اجتماعی و تحصیلی. این تأثیرات معمولاً به دلیل مواجهه غیر مستقیم کودک با جرائم و خشونت‌هایی است که والدین یا اعضای خانواده تجربه می‌کنند.

بزه‌دیدگی ثانوی می‌تواند منجر به مشکلات جدی روانی برای کودکان شود. مطالعات نشان می‌دهند که کودکانی که در معرض بزه‌دیدگی والدین خود قرار می‌گیرند، بیشتر در معرض ابتلا به اختلال استرس پس از سانحه، اضطراب، افسردگی و مشکلات خواب هستند. این کودکان ممکن است به دلیل تجربه مداوم استرس، دچار مشکلات تنظیم هیجانات و رفتارهای پرخاشگرانه شوند. این کودکان به دلیل ترومای ناشی از بزه‌دیدگی خانواده، اغلب احساس ناامنی و ترس مداوم دارند که می‌تواند سلامت روانی آن‌ها را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد (۱۲).

در حوزه اجتماعی، بزه‌دیدگی ثانوی باعث کاهش توانایی کودکان در ایجاد و حفظ روابط سالم می‌شود. کودکانی که در محیط‌هایی با خشونت خانگی یا والدین بزه‌دیده زندگی می‌کنند، اغلب احساس انزوا کرده و از تعاملات اجتماعی کناره‌گیری می‌کنند. این کودکان ممکن است مشکلاتی در برقراری اعتماد با دیگران داشته باشند و همچنین در معرض طرد از سوی همسالان خود قرار بگیرند (۱۲). آن‌ها همچنین ممکن است رفتارهای ناسازگارانه اجتماعی نشان دهند که می‌تواند منجر به مشکلات رفتاری در مدرسه و جامعه شود.

بزه‌دیدگی ثانوی می‌تواند به طور مستقیم بر عملکرد تحصیلی کودکان تأثیر بگذارد. به دلیل مشکلات روانی و اجتماعی، این کودکان اغلب با کاهش تمرکز، افت انگیزه تحصیلی و عملکرد ضعیف در مدرسه مواجه می‌شوند. طبق مطالعات، کودکانی که در محیط‌های پرتنش زندگی می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که دچار مشکلاتی مانند نمرات پایین، غیبت‌های مکرر و ترک

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

تحصیل شوند (۱۳). این عوامل در کنار هم می‌توانند چرخه‌ای از شکست‌های تحصیلی را ایجاد کنند که آینده حرفه‌ای و اجتماعی این کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس از مطالعه عوامل و پیامدهای بزه‌دیدگی ثانوی، باید اذعان داشت که مکانیزم‌های تأثیرگذاری نه‌تنها عامل ایجاد بزه‌دیدگی ثانوی هستند، بلکه پیامدهای آن را نیز تشدید می‌کنند. این ارتباط دوسویه باعث می‌شود که بررسی دقیق این مکانیزم‌ها در راستای کاهش پیامدهای منفی بزه‌دیدگی ثانوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد، لذا در ادامه به مطالعه این مکانیزم‌های می‌پردازیم.

۲-۳. مکانیزم‌های تأثیرگذاری: ترس از جرم، به ویژه در کودکان، می‌تواند توسط عوامل خارجی مختلفی تقویت شود. این عوامل شامل رسانه‌ها، محیط اجتماعی، و تجربیات غیر مستقیم مرتبط با بزه‌دیدگی والدین یا اطرافیان است. تقویت ترس از جرم از طریق این عوامل می‌تواند به بزه‌دیدگی ثانوی کودکان منجر شود، به طوری که آنان نه‌تنها از جرم‌هایی که مستقیماً رخ نداده‌اند می‌ترسند، بلکه اثرات روانی و اجتماعی عمیقی را نیز تجربه می‌کنند. در ادامه به بررسی مکانیزم اثرگذاری هر یک از این عوامل خارخی می‌پردازیم.

۲-۳-۱. رسانه‌ها: رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، می‌توانند در تقویت ترس از جرم نقش مهمی ایفا کنند. پوشش گسترده اخبار مربوط به جرم و جنایت، به ویژه در نزدیکی محل زندگی یا مدرسه کودک، می‌تواند احساس ناامنی را افزایش دهد. مطالعات نشان داده است که کودکانی که به طور مداوم اخبار مرتبط با خشونت را مشاهده می‌کنند، بیشتر دچار اضطراب و ترس از جرم می‌شوند. به عنوان مثال، طبق یک تحقیق، کودکانی که در معرض اخبار رسانه‌ای درباره جرائم خشن قرار دارند، ۴۰ درصد بیشتر از سایرین احساس ناامنی می‌کنند و این امر با بزه‌دیدگی ثانوی آن‌ها مرتبط است (۱، ۱۱).

۲-۳-۲. محیط اجتماعی: محیط اجتماعی، شامل محله‌های ناامن یا دارای نرخ بالای جرم، می‌تواند به طور مستقیم ترس از جرم را در کودکان افزایش دهد. کودکانی که در محله‌هایی با نرخ بالای جرم زندگی می‌کنند یا شاهد جرائم خیابانی مانند سرقت یا خشونت هستند، بیشتر در معرض بزه‌دیدگی ثانوی قرار می‌گیرند. این کودکان اغلب از رفت و آمد در محله خود می‌ترسند و این ترس به صورت مشکلات رفتاری و عاطفی نمایان می‌شود. مطالعات نشان داده است که این کودکان به طور متوسط ۳۰ درصد بیشتر دچار اختلالات اضطرابی می‌شوند (۱۴).

۲-۳-۴. بزه‌دیدگی والدین و اطرافیان: کودکی که والدین یا اعضای خانواده‌اش قربانی جرمی شده‌اند، ممکن است به طور غیر مستقیم دچار بزه‌دیدگی ثانوی شود. بزه‌دیدگی والدین، به ویژه در موارد خشونت خانگی یا جرائم خیابانی، می‌تواند ترس عمیقی در کودکان ایجاد کند. این ترس از جرم می‌تواند به ناتوانی در مدیریت اضطراب و بروز مشکلات روانی منجر شود. طبق یک تحقیق، ۵۰ درصد از کودکانی که یکی از والدینشان قربانی جرم بوده است، ترس از وقوع جرم مشابه را تجربه کرده و در نتیجه علائم بزه‌دیدگی ثانوی را از خود نشان داده‌اند (۱۲).

بنا به مراتب فوق‌الذکر، عوامل خارجی نظیر رسانه‌ها، محیط اجتماعی و بزه‌دیدگی والدین و اطرافیان نقش به سزایی در تقویت ترس از جرم دارند. رسانه‌ها با بزرگ‌نمایی حوادث جنایی و تمرکز بر جنبه‌های احساسی آن‌ها، تصویر اغراق‌آمیزی از ناامنی ارائه می‌دهند که منجر به افزایش ترس عمومی می‌شود. محیط‌های اجتماعی نامطلوب نیز با ایجاد حس ناامنی در افراد، این ترس را تشدید می‌کنند. علاوه بر این، تجربه بزه‌دیدگی والدین و اطرافیان، تأثیرات روانی عمیقی بر فرزندان و دیگر اعضای خانواده دارد که می‌تواند منجر به اضطراب پایدار شود. همچنین تقویت ترس از جرم به واسطه عوامل خارجی می‌تواند منجر به افزایش بزه‌دیدگی ثانوی در کودکان شود. کودکان ممکن است دچار اضطراب مداوم، اختلالات خواب و حتی مشکلات تحصیلی شوند. ترس از جرم همچنین می‌تواند روابط اجتماعی کودک را تحت تأثیر قرار دهد، به طوری که کودک از تعامل با همسالان خود کناره‌گیری می‌کند و در محیط‌های اجتماعی احساس ناامنی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

می‌کند. این واکنش‌های روانی و اجتماعی، بزه‌دیدگی ثانوی را در کودکان تقویت می‌کنند و می‌توانند آثار بلندمدتی بر سلامت روان و موفقیت اجتماعی و تحصیلی آنان داشته باشند.

۳. رویکرد حقوق کیفری ایران: حقوق کیفری ایران علیرغم اینکه در قوانین مدنی (ماده ۱۲۱۰) و مجازات اسلامی (ماده ۱۴۷ ق.م.ا) صراحتاً به تعریف طفل اشاره نداشته و صرفاً به تعیین سن بلوغ اشاره داشته است در ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ به تعریف طفل پرداخته و او را «هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است» اعلام داشته است که این نشان از توجه ویژه به این قشر از افراد جامعه است. ماده ۳ قانون مذکور با شناسایی وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و لزوم مداخله قانونی، بستری برای پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی کودکان فراهم می‌کند. از منظر روان‌شناختی، این ماده تأثیر شرایط مختلف بر احساس امنیت و ترس از جرم در کودکان را در نظر می‌گیرد. با تحلیل این ماده، می‌توان استراتژی‌های مؤثری برای کاهش ترس از جرم و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی تدوین کرد. این ماده با تصریح به وضعیت‌هایی مانند بی‌سرپرستی، خشونت، فقر، اعتیاد والدین، سوءرفتار و بهره‌کشی، به نقش پیشگیرانه حقوقی در حمایت از کودکان تأکید دارد که ما ذیلاً به اهم آن‌ها اشاره خواهیم داشت.

۳-۱. پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی: ماده ۳ با شناسایی عوامل خطر و وضعیت‌های مخاطره‌آمیز، به ایجاد سازوکارهای قانونی برای حمایت از کودکان کمک می‌کند. این حمایت‌ها می‌توانند مانع قرارگرفتن مجدد کودکان در معرض بزه‌دیدگی شوند.

۳-۲. ترس از جرم: بسیاری از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز در ماده ۳، نظیر خشونت خانوادگی، سوءرفتار، بهره‌کشی و ناامنی اقتصادی ـ اجتماعی، می‌توانند منجر به ایجاد ترس از جرم در کودکان شوند. مداخلات قانونی بر اساس این ماده، با ایجاد محیط امن‌تر، می‌توانند به کاهش این ترس کمک کنند.

۳-۳. رویکرد روان‌شناختی: شرایط مخاطره‌آمیز ذکرشده در ماده ۳، تأثیر مستقیم بر سلامت روانی کودکان دارند. این ماده با در نظرگرفتن این جنبه‌ها، زمینه‌ساز مطالعات روان‌شناختی برای شناسایی و مدیریت تأثیرات روانی این وضعیت‌ها بر کودکان است.

۳-۴. پیشگیری جامع: ماده ۳ به طور همزمان با شناسایی عوامل تهدیدکننده و ارائه ابزارهای قانونی برای مقابله با آن‌ها، بستری برای پیشگیری اولیه (جلوگیری از وقوع وضعیت‌های خطرناک) و ثانویه (جلوگیری از تکرار بزه‌دیدگی) فراهم می‌کند. با توجه به مراتب فوق به طور کلی، ماده ۳ می‌تواند به عنوان پایه‌ای قانونی برای بررسی عوامل مؤثر بر ترس از جرم و تدوین راهبردهای پیشگیرانه برای کاهش بزه‌دیدگی ثانوی کودکان در تحقیق حاضر عمل کند.

قانونگذار در این مقرره به اصطلاحی تحت عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز اشاره نموده و در همین راستا وظایفی را برای نهادهای ذی‌ربط مقرر داشته است. وضعیت مخاطره‌آمیز در ماده ۱ تعریف نشده است، لیکن با عنایت به اینکه بند «ذ» این ماده به توصیف وضعیت‌هایی پرداخته است که خطر شدید و قریب‌الوقوع را به عنوان شرایطی تعریف می‌کند که در آن حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید شود و مداخله فوری و چاره‌جویی ضروری گردد. بر اساس این توصیف، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت مخاطره‌آمیز عبارت است از: وضعیتی که در آن طفل یا نوجوان در معرض تهدید جدی به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی یا اخلاقی خود قرار می‌گیرد و این تهدید به گونه‌ای است که خطر آسیب‌پذیری شدید را ایجاب کرده و نیازمند اقدام فوری و قانونی برای رفع آن باشد. این تعریف ضمن دربرگرفتن مصادیق گسترده‌ای که در ماده ۳ به آن‌ها اشاره شده، تأکید می‌کند که:

شدت تهدید: وضعیت مخاطره‌آمیز باید خطری جدی و فوری را برای حیات یا سلامت طفل یا نوجوان به همراه داشته باشد.

نیاز به مداخله فوری: این وضعیت‌ها به نحوی‌اند که بدون اقدام قانونی یا حمایتی، خطر آسیب‌دیدگی شدید وجود دارد.

ابعاد تهدید: این تهدید می‌تواند جنبه‌های مختلفی مانند جسمی، روانی، اخلاقی، اجتماعی یا آموزشی را شامل شود.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

لذا این مفهوم به عنوان مبنای مداخلات پیشگیرانه و حمایتی در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان عمل می‌کند و یکی از نقاط کلیدی در سیاستگذاری برای پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی به شمار می‌رود. در ادامه با رویکردی پیشگیرانه قانونگذار مقرراتی را وضع نموده و در خلال آن وظایفی را مقرر داشته است.

ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مسئولیت‌ها و تکالیف دستگاه‌ها و نهادهای مختلف را در راستای اجرای اهداف این قانون تشریح می‌کند. این ماده، هماهنگی و تقسیم کار میان سازمان‌ها، نهادها، و دستگاه‌های مختلف را برای حمایت از کودکان و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و پیشگیری از بزه‌دیدگی آن‌ها تضمین می‌کند، به ویژه وظایف نیروی انتظامی (بند «ب»)، سازمان بهزیستی (بند «الف») و وزارت آموزش و پرورش (بند «چ») در شناسایی وضعیت‌های خطرناک و پیشگیری از آسیب‌های بعدی تأثیر مستقیم بر کاهش بزه‌دیدگی ثانوی دارند. سازمان صدا و سیما (بند «ح») وظیفه تولید محتوای آموزشی و اطلاع‌رسانی عمومی را بر عهده دارد که می‌تواند با افزایش آگاهی و کاهش کلیشه‌های نگران‌کننده، ترس از جرم را مدیریت کند. وزارت آموزش و پرورش (بند «چ») از طریق آموزش حقوق کودکان به مدیران و معلمان، نقش مهمی در پیشگیری از رفتارهای تهدیدآمیز دارد که منجر به افزایش ترس و آسیب‌های روانی در کودکان می‌شود. وظایف سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت در ارائه خدمات درمانی و روان‌شناختی به کودکان آسیب‌دیده (بندهای «الف» و «ج») تأثیر مستقیمی بر ترمیم آسیب‌های روانی و کاهش احساس ناامنی دارند. به طور کلی، ماده ۶ با تعیین نقش‌های مشخص برای سازمان‌های مختلف، ابعاد روانی و حقوقی حمایت از کودکان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز را پوشش می‌دهد.

علیهذا با عنایت به مراتب فوق، رویکرد حقوق کیفری ایران در خلال قانون پیش‌گفته نسبت به مسأله بزه‌دیدگی ثانویه کودکان و ترس از جرم، نشان‌دهنده تأکید بر لزوم حمایت از کودکان در برابر آثار منفی فرآیندهای قضایی است. در این راستا، این قانون به ویژه در زمینه تعامل با بزه‌دیدگان خردسال، به طور غیر مستقیم بر پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه تأکید دارد. ترس از جرم در این زمینه به عنوان یکی از پیامدهای روانی و اجتماعی ناشی از تجربه بزه‌دیدگی اولیه در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند بر روند رشد و سلامت روانی کودک تأثیرات منفی بگذارد. فرآیندهای قضایی، به ویژه در مواردی که کودک مجدداً در معرض بررسی‌های قضایی قرار می‌گیرد، می‌توانند احساس ناامنی و اضطراب را در وی تقویت کرده و زمینه‌ساز بزه‌دیدگی ثانویه شوند. این مسأله در نظام حقوقی ایران علیرغم وجود نهادها و تدابیر حمایتی همچنان به طور جدی مطرح است، زیرا مداخلات قضایی و فرآیندهای دادرسی گاهی به جای کاهش آسیب‌ها، می‌توانند بر این ترس‌ها و تجارب منفی بیافزایند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این پژوهش به روش توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این تحقیق، ابتدا مفاهیم اساسی ترس از جرم و بزه‌دیدگی ثانوی در زمینه حقوق کیفری و روان‌شناسی اجتماعی بررسی شده‌اند، سپس ارتباط میان این مفاهیم و تأثیرات آن‌ها بر کودکان آسیب‌دیده از جرم تحلیل گردیده است. برای این منظور، منابع مختلف علمی شامل کتاب‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های پژوهشی مرتبط با موضوع جمع‌آوری و بررسی شده است. همچنین تحلیل‌های حقوقی و روان‌شناختی به منظور درک بهتر تأثیرات ترس از جرم و بزه‌دیدگی ثانوی بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان و ارزیابی تدابیر پیشگیرانه موجود به کار گرفته شده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

یافته‌ها

ترس از جرم به طور مستقیم و غیر مستقیم بر کودکان آسیب‌دیده از جرم تأثیر می‌گذارد. ترس از بازرخداد جرم ممکن است باعث ایجاد احساس ناامنی، اضطراب و بی‌اعتمادی در کودکان شود و در نتیجه منجر به بروز آسیب‌های روانی و اجتماعی بیشتر گردد. در این راستا، پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی از طریق ایجاد محیط‌های امن، حمایت روانی و تدابیر حقوقی مؤثر، می‌تواند به کاهش این تأثیرات منفی کمک کند.

بحث

این تحقیق به‌طور خاص بر روی دو مفهوم اصلی «ترس از جرم» و «بزه‌دیدگی ثانوی» در کودکان متمرکز است. ترس از جرم به احساس نگرانی و اضطراب در افراد، به ویژه کودکان، نسبت به احتمال وقوع جرم یا خطرات اجتماعی اشاره دارد. این ترس می‌تواند ناشی از تجربه قبلی جرم یا حتی مشاهده جرائم در اطراف کودک باشد. بزه‌دیدگی ثانوی نیز به آسیب‌های روانی و اجتماعی اشاره دارد که افراد به ویژه کودکان ممکن است پس از تجربه یا مواجهه با یک جرم، به صورت غیر مستقیم و در اثر تأثیرات محیطی و اجتماعی تجربه کنند. کودکانی که قبلاً قربانی جرم شده‌اند، ممکن است در معرض خطر تجربه مجدد آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار گیرند، به ویژه اگر محیط اطرافشان تهدیدآمیز یا غیر امن باشد. بنابراین تحقیق به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه ترس از جرم می‌تواند این آسیب‌ها را تشدید کند و چگونه می‌توان با اقدامات پیشگیرانه از بروز بزه‌دیدگی ثانوی جلوگیری کرد. این اقدامات پیشگیرانه ممکن است شامل ایجاد محیط‌های امن و حمایتی، حمایت روانی از کودکانی که قبلاً قربانی جرم شده‌اند و همچنین تدابیر حقوقی و اجتماعی برای کاهش احساس ناامنی و اضطراب در آن‌ها باشد. در واقع، هدف این تحقیق این است که نشان دهد چگونه رویکردی جامع که همزمان ترس از جرم و بزه‌دیدگی ثانوی را در نظر بگیرد، می‌تواند به کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی در کودکان آسیب‌دیده کمک کند و به پیشگیری از بروز مشکلات آینده در آن‌ها منجر شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر ارتباط میان ترس از جرم و بزه‌دیدگی ثانوی در کودکان را بررسی کرد و تأثیرات این دو پدیده را بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان آسیب‌دیده نشان داد. ترس از جرم در کودکان آسیب‌دیده، به ویژه آن‌هایی که قبلاً قربانی جرم شده‌اند، می‌تواند به طور قابل توجهی بر روند بهبودی آن‌ها تأثیر گذاشته و آسیب‌های روانی و اجتماعی بیشتری ایجاد کند. این ترس نه‌تنها احساس امنیت کودک را مختل می‌کند، بلکه می‌تواند به بروز اختلالاتی مانند اضطراب، افسردگی و بی‌اعتمادی به سیستم حقوقی منجر شود. این عوامل در نهایت موجب کاهش کیفیت زندگی و رشد اجتماعی کودک می‌گردد. ترس از وقوع مجدد جرم، در کودکان آسیب‌دیده از جرم می‌تواند اضطراب و بی‌اعتمادی به نظام‌های اجتماعی و حقوقی را تقویت کند. احساس ناامنی در برابر بزهکاران و نهادهای اجرایی، برای کودکانی که تجربه گذشته جرم را دارند، به چالش‌های بزرگ‌تری تبدیل می‌شود. این وضعیت باعث ایجاد یک دایره باطل از آسیب‌های روانی و اجتماعی می‌شود که روند بهبودی را مختل می‌کند. همچنین این مسأله می‌تواند موجب به خطرافتادن سلامت روانی بلندمدت کودک و رشد اجتماعی او در آینده گردد. برای پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی و کاهش اثرات منفی ترس از جرم، لازم است که محیط‌های امن و حمایتگر برای کودکان آسیب‌دیده فراهم گردد. محیط‌هایی که در آن‌ها کودکان احساس امنیت کنند، می‌تواند تأثیرات منفی ترس از جرم را کاهش داده و از بروز آسیب‌های بیشتر جلوگیری نماید. این موضوع نه‌تنها در بعد فردی، بلکه در بعد اجتماعی نیز اهمیت دارد، زیرا کودکان بدون حمایت‌های کافی ممکن است در آینده وارد چرخه‌ای از آسیب‌های اجتماعی و جرم شوند. در بعد حقوقی، نیاز به اصلاحات قانونی برای تسهیل دسترسی کودکان به عدالت و کاهش ترس از فرآیندهای قضایی احساس می‌شود. سیستم‌های

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

حقوقی باید در مواجهه با کودکان آسیب‌دیده از جرم، فرآیندهایی ایجاد کنند که به آن‌ها احساس امنیت و حمایت بدهد. همچنین باید تدابیر قانونی برای کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از تعاملات حقوقی در نظر گرفته شود. در ابعاد روان‌شناختی نیز مداخلات درمانی و مشاوره‌ای برای کودکان آسیب‌دیده از جرم ضروری است. این مداخلات می‌توانند در کاهش اضطراب و ترس از جرم مجدد و همچنین کمک به بازسازی احساس امنیت و اعتماد در کودکان مؤثر باشند.

نتیجه‌گیری کلی این است که برای پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی و کاهش اثرات منفی ترس از جرم در کودکان، باید رویکردی جامع اتخاذ شود که همزمان ابعاد روان‌شناختی و حقوقی را در نظر بگیرد. این رویکرد باید شامل تدابیر حمایتی، درمانی و آموزشی باشد که در تمام مراحل پس از وقوع جرم، کودکان آسیب‌دیده را دربر بگیرد. برای دستیابی به نتایج مطلوب در این زمینه، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و سیاست‌های اجتماعی کشور توجه ویژه‌ای به کودکان آسیب‌دیده از جرم داشته باشند. همچنین ایجاد مراکز تخصصی برای حمایت روانی و حقوقی کودکان در فرآیندهای قضایی می‌تواند به کاهش آسیب‌های ثانویه و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک کند.

مشارکت نویسندگان

ابراهیم یاقوتی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

References

1. Rahbarpour M. Association Distinction between the Lack of Security in Muharibah and Terminological phenomena of Fear of Crime. Journal of Judicial Law View. 2021; 26(93): 155-170. [Persian]

2. Jackson J, Gray E. Functional fear and public insecurities about crime. The British Journal of Criminology. 2010; 50(1): 507-528.

3. Brunton-Smith I, Sturgis P. Do neighborhoods generate fear of crime? An empirical test using the British Crime Survey. Criminology. 2011; 49(2): 331-369.

4. Lorenc T, Petticrew M, Whitehead M, Neary D, Clayton S, Wright K, et al. Fear of crime and the environment: Systematic review of UK qualitative evidence. BMC Public Health. 2013; 13(1): 1-8.

5. Raeijian Asli M. Victimology. 2nd ed. Tehran: Shahr Danesh Publications; 2019. Vol.1 p.56. [Persian]

6. Qomi Oveli E. The role of civic participation in the prevention of secondary victimization. Law Yar Journal. 2018; 2(6): 501-513. [Persian]

7. Montada L, Lerner MJ. Responses to Victimizations and Belief in a Just World. 1st ed. New York: Springer; 2013.

8. Ferraro KF. Fear of Crime: Interpreting Victimization Risk. New York: Oxford University Press; 2021. p.15.

9. Koss MP. The Impact of Rape on Women: A Sociopsychological Perspective. Women and Health. 1985; 10(4): 45.

10. Zimbardo PG. The Human Choice: Individuation, Reason and Order versus Deindividuation, Mobs and Masses. Nebraska Symposium on Motivation. 1969; 17: 237-307.

11. Mire S, Roberson C. The Study of Violent Crime. Translated by Javanbakht M. 1st ed. Tehran: Majd Publications; 2016. p.178. [Persian]

12. Machteld H, Judith Semon D, Veroni IE, Peter H, van der L, Wilma S, et al. The Relationship between Parenting and Delinquency: A Meta-analysis. J Abnorm Child Psychol. 2009; 37(6): 749-775.

13. Rochelle FH, Genelle KS, Angela MB, Grace SH. The Impact of Crime Victimization on Quality of Life. J Trauma Stress. 2010; 23(2): 189-197.

14. Wahidsatar SNA, Norhayati MN, Sulaiman Z, Othman A, Yaacob LH, NikHazlina NH. Predisposing Factors and Impact of Child Victimization: A Qualitative Study. International Journal of Environmental Research and Public Health (IJERPH). 2021; 18(17): 7393.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-10-11]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.